

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۳۶ - ۲۱۷

نقش «توحید اجتماعی» در فلسفه علوم اسلامی با محوریت آیات قرآن

مورد مطالعه: علم کلام و عرفان

محمد عرب صالحی^۱

فریده پیشوایی^۲

چکیده

«توحید اجتماعی» که رویکردی نوین در فهم بنیادی‌ترین آموزه اسلام یعنی «توحید» بوده و مبانی نظری تحقق جامعه توحیدی را پشتیبانی می‌کند، کارویژه‌ها و کارکردهای مختلفی دارد که با توجه به اهمیتشان و نیز خلاء پژوهشی در این باره، پرداختن به آنها ضرورت دارد. از جمله کارکردهای نظری توحید اجتماعی، تاثیر در علوم اسلامی و فلسفه آن بوده و این نوشتار با نگاه تحلیلی و بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و تمرکز بر فهم اجتماعی از آیات توحیدمحور عهده‌دار تبیین آن است. یافته‌های این مقاله که براساس رویکرد تحلیلی و روش کتابخانه‌ای سامان یافته، این فرضیه را ثابت می‌کند که غلبه گفتمان توحید اجتماعی بر فضای علمی حوزه و دانشگاه، با اثرگذاری بر موضوعات، غایات و اهداف علوم اسلامی مانند کلام و عرفان می‌تواند زمینه‌ساز تحول در این علوم باشد. به برخی از شواهد و مصادیق آن اشاره شده است. نتیجه اینکه با خوانش اجتماعی از توحید که ریشه در آیات قرآن دارد، علوم اسلامی می‌توانند با رویکرد جدید توحیدی و متناسب با نیازهای جوامع اسلامی معاصر بازنگری شوند.

واژگان کلیدی

توحید اجتماعی، علوم اسلامی، نقش، علم کلام، علم عرفان، موضوعات، غایت.

۱. دانشیار گروه منطق فهم دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

Email: Arabsalehi@iict.ac.ir

۲. سطح چهار تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: f.pishvae@dtc.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۷ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۴/۲۰

طرح مسأله

امروزه ویژگی اجتماعی بودن انسان که ریشه در فطرت او دارد، بیش از هر زمان دیگر بر سایر ساحت‌های زندگی انسان‌ها سایه افکنده است. همچنین عواملی چون مدرن‌شدن جوامع سنتی، نزدیک شدن فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها در اثر فراوانی و تسهیل ارتباطات، و پیچیدگی ساختار جوامع در اثر پروسه جهانی‌سازی و فرآیند مدرنیزاسیون، ظهور فلسفه پست مدرن و از همه مهمتر دادن نقش برجسته و بی‌سابقه به قوانین و نظریات بشری در شکل‌دهی به نظم اجتماعی و حاکمیت الگوهای اجتماعی - سیاسی در اداره امور جوامع بر اساس علوم سکولار و اومانیزم غربی، نحوه حضور دین در جامعه و مدیریت آن را هم از حیث نظری و هم از جهت عینی و عملی با سوالات و چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

افزون بر آن، در مسیر حرکت و رشد جوامع و تمدن‌ها، پیوسته مسائل و پرسش‌های نوظهور نمایان می‌شود. از طرفی بر اساس مسلمات اعتقادی، قرآن کتاب هدایت جاودانه و جامع است و برنامه زندگی سعادت‌مندان انسان در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از آن قابل اصطیاد است.

توجه به مقدمات یادشده نیاز به اتخاذ رویکرد نوین و کلان اجتماعی در فهم آیات قرآن - به عنوان مرجع اصیل و حیانی - متناسب با ضروریات و مسائل جامعه را حائز اهمیت ساخته و به دنبال آن توجه به غنی‌سازی علوم اسلامی فعلی و تجهیز آن در برابر شبهات و سوالات نوپدید را به خوبی آشکار می‌سازد.

با توجه به مدخلیت تام و بنیادین توحید در سایر گزاره‌های دین، می‌توان ادعا کرد نقطه آغاز فهم اجتماعی از دین، بازخوانی اجتماعی آموزه توحید است که منجر به نتایج مثبت و قابل توجهی در ساحت اجتماعی زیست انسان‌ها خواهد شد. این نتایج در ابعاد مختلف قابل بررسی است که پرداختن به تمام آنها تحقیق مفصلی می‌طلبد، به همین دلیل در مقاله حاضر تشریح بخشی از این نتایج یعنی نقش توحید اجتماعی در علوم اسلامی از منظر قرآن صورت خواهد گرفت. این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که با در

نظر داشتن آیات قرآن، توحید اجتماعی، در مباحث پیشینی و موضوعات علوم اسلامی مانند کلام و عرفان چه تأثیری خواهد داشت؟

این تأثیر می‌تواند از طریق ایجاد تحول در مبانی یا تأثیر در ماهیت، موضوعات و بعضاً در مسائل علوم صورت گیرد، بنابراین فرضیه‌ای که مقاله پیش رو در صدد اثبات آن است، این است که غلبه گفتمان توحید اجتماعی در فضای علمی حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه‌های مهم و کلیدی تحقیقاتی، در مبادی علوم اسلامی و قلمرو فعلی آن تحولات بنیادین ایجاد خواهد کرد.

گفتنی است نگارندگان این نوشتار، در مقالات دیگر، ماهیت، مولفه‌ها، کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه را در دو محور کارکردهای پیشینی و عملی در ساحت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی و نیز تأثیر آن در برخی فلسفه‌های مضاف مانند علم اقتصاد و امر سیاست بررسی کرده‌اند. در این راستا مقاله حاضر، متکفل بیان نقش توحید اجتماعی در علوم اسلامی است. منظور از علوم اسلامی در این مقاله علوم خاص اسلامی مصطلح هستند که مبانی و اصول‌شان بر پایه منابع اسلامی پی‌ریزی شده و هدفشان تبیین معارف اسلامی می‌باشد.

پیرامون علوم اسلامی، مبانی و روش‌شان، به‌ویژه درباره اسلامی‌سازی علوم انسانی، پژوهش‌های متعددی منتشر شده، اما در جستجوی به‌عمل آمده آثاری که به طور خاص در زمینه توحید اجتماعی نگاشته شده‌اند، مانند مقاله‌های «بررسی و تحلیل انتقادی دیدگاه دکتر شریعتی در باب توحید اجتماعی» (محمد پورعباس، اندیشه نوین دینی، ش ۵۹، ۱۳۹۸)؛ «دکترین «توحید اجتماعی» اندیشه‌ای بنیادین در تکامل هندسه توحیدی و تعالی معنوی موحدان» (محمد پورعباس و محمدرضا ابراهیم‌نژاد، پژوهش‌های عقلی نوین، ش ۷، ۱۳۹۸) و «تحلیل و بررسی ابعاد معرفتی جامعه توحیدی در اندیشه دکتر علی شریعتی» (یحیی بوذری‌نژاد و شاهین زرع‌پیما، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ش ۲۰، ۱۴۰۰) هیچ‌کدام به تأثیر توحید اجتماعی در علوم اسلامی نپرداخته‌اند. این امر نوآوری این مقاله و اهمیت پرداختن به این بُعد از توحید اجتماعی را روشن می‌سازد.

شایان ذکر است که بررسی تأثیر توحید اجتماعی در مباحث پیشینی تمام علوم

اسلامی و به نحو تفصیلی، نه در ظرفیت این مقاله است و نه یک محقق می‌تواند وارد جزئیات تمام این علوم شده و همه زوایا و ابعاد آن را روشن سازد، زیرا این امر مستلزم داشتن تخصص در هر یک از این علوم است، لذا در ادامه تاثیر توحید اجتماعی در کلیت دو علم کلام و عرفان مانند مبانی، موضوعات و اهداف آنها و کیفیت تاثیر آن همراه با ارائه برخی مثال‌های ملموس و عینی در دو علم کلام و عرفان خواهد آمد.

۱. توحید اجتماعی و نسبت آن با توحید نظری

پیش از ورود به بحث ارائه توضیحی درباره توحید اجتماعی و نسبت آن با توحید نظری ضروری است. مراد نگارندگان از توحید اجتماعی، قرائت اجتماعی از آن و بازفهم توحید با رویکردی اجتماعی است، به این صورت که اعتقاد به یگانگی خداوند در ربوبیت و عبودیت و نفی تمام معبودهای غیر الله را به تمام ساحت‌های زندگی انسان تسری می‌دهد. در این رویکرد، توحید هویتی اجتماعی یافته و از انحصار تلقی به مثابه اعتقاد نظری صرف و بیان استدلال‌ات و مناظرات کلامی و فلسفی، خارج گشته و مبنای ساختار و نظام اجتماعی حاکم بر جامعه قرار می‌گیرد و فراتر از یک نظریه فلسفی و ذهنی که در گفتمان سنتی کلام رایج است، فهم می‌شود. «توحید» از این منظر یک نظریه زیربنایی در باب انسان و جهان و نیز یک دکترین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خواهد شد. توحید اجتماعی افزون بر رویکرد نظری، ماهیتی تحول‌آفرین و بازتاب کاملاً اجتماعی دارد و تمام شوون زندگی انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. بر این اساس می‌توان توحید اجتماعی را بروز و ظهور ابعاد شناختی و معرفتی اصل اعتقادی توحید در ساختار و پیکره کلی و نظم کلان اجتماعی با هدف تشکیل جامعه توحیدی دانست که در جزئی‌ترین و کلی‌ترین کنش‌های فردی و اجتماعی و سیاسی، تکالیف و مسئولیت‌های انسان در برابر خدا، خود، عالم هستی و جامعه تبلور می‌یابد. این معنا از توحید که به شهادت قرآن شعار مشترک تمام انبیای الهی بوده: (انبیاء: ۲۵) در سال‌های نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی ایران و کمی پس از آن توسط مصلحان اجتماعی و مجدد از جمله امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ش)، آیت‌الله سید محمود طالقانی (۱۲۸۹-۱۳۵۸ ش)، شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش)، دکتر علی شریعتی (۱۳۱۲-۱۳۵۶ ش) و حکیم و اندیشمند معاصر آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

باز تولید شد که البته در ادامه تحقیقات تکمیلی درباره آن صورت نگرفت و مسیر مطالعات در زمینه توحید مجدداً به رویکردهای کلامی و فلسفی صرف قبلی با صبغه نظری بازگشت.

۲. نقش توحید اجتماعی در علم کلام

علم کلام، علمی است که درباره عقائد اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت بحث می‌کند، به این نحو که آنها را توضیح می‌دهد، درباره آنها استدلال و از آنها دفاع می‌نماید. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۵۷) به عبارت دیگر کلام، دانشی است که متکلم در آن با روش عقلی و نقلی مستند به آیات قرآن و سنت، به تبیین اعتقادات اسلامی و دفاع از آنها می‌پردازد.

با توجه به کانونی بودن آموزه توحید در علم کلام، بازخوانی توحید با رویکرد اجتماعی در مبانی، موضوع و مفاهیم این علم صورت می‌گیرد که عبارتند از:

۲-۱. طرح توحید اجتماعی به عنوان یک عامل مهم تأثیرگذار در تحول موضوعات و مفاهیم کلام سنتی

از مباحث مهم فلسفه یک علم بررسی عوامل تأثیرگذار در تحول علم، کیفیت اثرگذاری آنها و قلمرو تأثیرگذاری آنها در علم است و لو خود آن عامل از مسائل و موضوعات کلامی باشد؛ گاهی تحول در یک مسأله یا موضوع کلامی از چنان اهمیتی برخوردار است که موجب تحولات زیادی در درون علم خواهد شد. طبعاً جای بررسی این گونه مسائل و طرح این گونه مباحث در فلسفه آن علم است. از جمله این عوامل بسیار تأثیرگذار توحید اجتماعی است که با تحولی که در توحید نظری که در کلام سنتی مطرح است ایجاد می‌کند، به عنوان یک عامل مهم تحول‌ساز در درون یک علم قابل بررسی است؛ حال با ورود توحید اجتماعی به مباحث کلامی طبعاً تحولاتی در علم کلام ایجاد خواهد شد که بررسی نحوه تأثیر، مقدار تأثیر و قلمرو آن از مباحث جدیدی است که در فلسفه کلام باید طرح شود و این خود یک بحث جدیدی است که به مباحث فلسفه کلام افزوده می‌گردد. ذیلاً به مواردی از تأثیرگذاری توحید اجتماعی در موضوعات و مفاهیم رایج در کلام سنتی اشاره می‌شود.

۲-۱-۱. تأثیر در مبنایی ترین موضوع کلام سنتی یعنی توحید

مهم‌ترین مسئله مبنایی علم کلام اسلامی توحید است و مبادی، موضوعات، مسائل و غایات آن نیز بر اساس آن پی‌ریزی شده است. خوانش اجتماعی توحید، رویکرد و نوع فهم این مسئله مبنایی را تغییر داده و در ادامه این تغییر با تأثیر بر اساسی‌ترین مسئله این علم که طبیعتاً تحول در بسیاری از موضوعات، مفاهیم و مسائل این علم را به دنبال خواهد داشت، منجر به شکل‌گیری گرایشی جدید در علم کلام خواهد شد به این صورت که گرایشی در علم کلام به وجود می‌آید که حاصل فهم اجتماعی توحید محور از مسائل و موضوعات کلامی و رویکرد اجتماعی به آن باشد و متکلم از زاویه توحیدی و فراتر از دفاع از اجتماعات اسلام و کاربردی کردن موضوعات کلامی تلاش می‌کند بر پایه توحید، فهم اجتماعی جدید از مباحث کلامی ارائه دهد و با خوانشی توحیدی- اجتماعی و نگاهی کلان و فراگیر به تبیین اعتقادات اسلامی و دفاع از آنها بپردازد.

۲-۱-۲. تأثیر در موضوع کلامی عدل

صفت عدل الهی ارتباط تنگاتنگی با توحید دارد. اساساً با اثبات صفات کمالیه برای خداوند مانند یگانگی در ربوبیت و عبودیت، از لحاظ عقلی امکان ندارد که غیر از عدل از خداوند سر بزنند. اهمیت و ارتباط این دو تا آنجاست که هر دو اساس و بنیان دین را تشکیل می‌دهند؛ شاهد آنکه در برخی آیات دو صفت توحید و عدل به دنبال هم ذکر شده‌اند؛ از جمله آیه ۱۸ آل عمران: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْأَمَلَاتُكَّةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْغَزِيُّ الْحَكِيمُ» که در آن تعبیر «قَائِمًا بِالْقِسْطِ» در میان تعابیر «اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْغَزِيُّ الْحَكِيمُ» بیان شده است. «قَائِمًا بِالْقِسْطِ» حال از فاعل شَهِد است به این معنا که خداوند در خلال متصف‌بودنش به صفت عدلی که از او جدا نشدنی است، بر توحید ذاتش شهادت می‌دهد، چون عدالت جزئی از اولوهیت خداوند است و مظهر بی‌نیازی از بندگانش؛ پس هیچ‌گاه ظلم نخواهد کرد، چرا که منشا ظلم، فقر و ضعف است. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۷۳)

با در نظر گرفتن رویکرد اجتماعی در توحید و تزریق آن به ساختار جامعه، عدل غیر از معنای وصفی برای ذات خداوند، جنبه اجتماعی خواهد یافت، یعنی همانگونه که

توحید، ماهیتی اجتماعی می‌یابد، صفت عدل الهی نیز رویکرد اجتماعی خواهد یافت. شهید صدر این معنا را چنین تبیین می‌کند:

در مجموعه اعتقادات اسلامی، صفت عدل خداوند با علم و قدرت و سایر صفات خدا از ناحیه خداوند امتیازی ندارد، ولی هنگامی که آن را در مقایسه با جامعه در نظر بگیریم، از نظر رهبری جوامع، امتیاز اجتماعی پیدا می‌کند، زیرا عدل صفتی است که می‌تواند به جامعه نتایج خوبی بدهد و جامعه را بی‌نیازی و غنا بخشد. ما در مسیر اجتماعی بیش از هر صفت دیگر به عدل احتیاج داریم، لذا عدل به عنوان دومین اصل از اصول دین به لحاظ جنبه رهبری اجتماعی‌اش، به لحاظ مفهوم تربیتی عدالت اظهار می‌گردد. (صدر، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴)

با این توضیح، می‌توان از صفت عدالت خداوند و رساندن جوامع به مکافات شرک اجتماعی‌شان که در آیات متعدد در قالب قواعد اجتماعی یا سنن الهی بدان‌ها اشاره شده، فهم بهتر و دقیقتری داشت:

«فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَسَفْنَا عَنْهُمْ غَدَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَيَّ حِينٍ» (یونس: ۹۸) چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند که (ایمانشان بموقع باشد، و) به حالشان مفید افتد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردند، عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم؛ و تا مدت معینی [پایان زندگی و اجلسان] آنها را بهره‌مند ساختیم.

چنانکه روشن است قرآن به جای توقف بر مساله فرد، بر مفهوم قوم و امت و اراده‌های جمعی و اجتماعی تاکید می‌ورزد:

«مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ» (مائده: ۶۶)؛ جمعی از آنها، معتدل و میانه‌رو هستند.

«أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ» (آل عمران: ۱۱۳)؛ از اهل کتاب، جمعیتی هستند که (به

حق و ایمان) قیام می‌کنند.

«وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ

فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ» (غافر: ۵)؛ و هر امتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند؛ اما من آنها را گرفتم (و سخت

مجازات کردم)؛ بین که مجازات من چگونه بود!

و به همین دلیل است که تحولات بزرگ در جوامع و معجزه‌های اجتماعی در گرو اراده‌های جمعی و ملی است. به تعبیر آیت الله خامنه‌ای معجزه‌های اجتماعی برخلاف معجزه ازدها شدن عصای موسی است؛ چون آن‌طور معجزه‌ها ربطی به اراده انسان ندارد؛ اما معجزه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم به اراده انسان‌ها ارتباط پیدا می‌کند؛ هرگاه ملتی تصمیم بگیرد، اراده کند، اقدام کند، حرکت متناسب با هدفش را انجام دهد، آن وقت معجزه اجتماعی اتفاق می‌افتد. (بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۶)

این امر در جوامع نیز قابل تسری است. از نظر قرآن، تاثیر متقابل رفتارهای فردی بر حیات جمعی و سرنوشت جامعه و افراد و هدایت و ضلالت آنها با یکدیگر پیوند خورده است. جوامع یادشده و مبتلا به سنن الهی در قرآن، از مسیر تکامل توحیدی خود که هم قوانین تکوینی حاکم بر عالم هستی و هم قوانین تشریحی زمینه ساز تحقق آن هستند، رویگردان شده و جهت مخالف آن را پیموده‌اند، بنابراین مجازاتشان بر این اساس است که در نظام آفرینش از نظر فیض و رحمت و بلا و نعمت و پاداش و کیفر الهی نظم خاصی برقرار است. گاه نیز گناه عمومی، زایل‌کننده نعمات بزرگ است. آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید:

گاهی یک ملت یا جماعت مؤثری از یک ملت مبتلا به گناهی می‌شوند. این گناه هم استغفار خودش را دارد. یک ملت گاهی سال‌های متمادی در مقابل منکر و ظلمی سکوت می‌کند و هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد؛ این هم یک گناه است؛ شاید گناه دشوارتری هم باشد؛ این همان «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا ما بانفسهم» است؛ این همان گناهی است که نعمت‌های بزرگ را زایل می‌کند؛ این همان گناهی است که بلاهای سخت را بر سر جماعت‌ها و ملت‌های گنهکار مسلط می‌کند.... «و اتقوا فتنه لا تمسین الذین ظلموا منکم خاصه» (انفال: ۲۵)؛ گاهی مجازات فقط شامل افرادی که مرتکب گناهی شدند، نمی‌شود؛ مجازات عمومی است؛ چون حرکت عمومی بوده؛ ولو همه افراد در آن شرکت مستقیم نداشتند. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۰۸/۰۸)

سید قطب در تفسیر آیه «فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا

فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بِنُتْنَةٍ فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» (انعام: ۴۴)؛ معتقد است اهل حق با سستی و کسالت منتظر نمی‌نشینند تا سنت خدا بدون عملی از ناحیه آنها در نابودی باطل اجرا گردد. حق مجسم نمی‌گردد، مگر در امتی که به پا می‌خیزد تا حاکمیت خدا را در زمین مستقر کند و کسانی که ادعای خصائص الهی دارند و غضب‌کنندگان حاکمیت خدا هستند، دفع کند. (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۱۰۹۱-۱۰۹۲) بر اساس این آیه جاری شدن سنت الهی در دفع باطل و رفع ظلم، مستلزم بیداری و اقدام عملی امت مسلمان است.

شاهد دیگر آیه «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال: ۲۵) است. بر اساس تفسیر سید قطب، زمانیکه در جامعه گروهی به عده‌ای اجازه می‌دهند تا به شکلی از اشکال ظلم کنند - و می‌دانیم که بالاترین ظلم‌ها کنار گذاشتن شریعت خدا و برنامه او برای زندگی است - و در مقابل ظالمان نمی‌ایستند و راه را بر فاسدان نمی‌بندند، این گروه مستحق هستند که گرفتار ظالمان و مفسدان شوند، چراکه اسلام که دینی سازنده و عهده‌دار مسئولیت است و اجازه نمی‌دهد افراد مقابل ظالمان و مفسدان ساکت بنشینند تا منکر شایع شود، تا چه رسد به اینکه بینند از آیین خدا پیروی نمی‌شود و الوهیت خداوند انکار هم می‌گردد و الوهیت بندگان جایگزین آن شده است. (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۴۹۶) طبق این تفسیر مکافات حاکم نبودن روح توحید بر جامعه و جایگزینی آن با سایر معبودها متوجه همگان خواهد بود.

نتیجه این بخش این است که با نگرش اجتماعی به توحید و لزوم سریان توحید در سریان‌های یک جامعه؛ چنان چه این امر در یک امت یا جامعه متوقف شود، سنت الهی است که همان جامعه دچار عذاب و فتنه عام شوند و این جلوه‌ای اجتماعی از عدالت خداوند است. چنان که اگر امتی از مسیر باطل خود برگردد و در راه احیای ارزش‌های الهی مجاهده کند همان سنت الهی در تأیید آنها بکار می‌آید و راه‌های ترقی و کمال را به روی آنها خواهد گشود. مفاد آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) همین سنت الهی است.

۲-۱-۳. تأثیر در موضوع کلامی معاد

نمونه دیگر از موضوعات علم کلام باور به معاد است. معاد از ملزومات باور به توحید است. علامه طباطبایی ذیل آیه «إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ» (نحل: ۲۲)؛ معتقدند توحید کامل یعنی اعتقاد به معبود عالم و قدیر که تمام موجودات را به حق خلق کرده تا در آخرت به سوي او بازگردند و بر اساس اعمالشان و نسبت به اوامر و نواهی که انبیای الهی آورده‌اند، محاسبه گردند و پاداش یا کیفر داده شوند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۲۷)

با در نظر داشتن رابطه تنگاتنگ معاد و توحید، و نیز رویکرد اجتماعی به توحید، در نوع فهم و تبیین این موضوع مهم کلامی تغییر حاصل می‌شود، به این صورت که باورمندی به توحید کامل، اعتقاد به معاد را از حالت فردی صرف خارج کرده و معادباوری اجتماعی جایگزین آن خواهد کرد؛ به این صورت که در جامعه موحد، اعتقاد به معاد و خاصیت بازدارندگی آن از انحصار در شئون فردی انسانها خارج گشته و در تمام ابعاد و زوایای زندگی تسری خواهد یافت.

تبیین یادکرد اجتماعی معاد و مسئولیت اجتماعی در برابر تمام تصمیمات و اعمال و رفتار فردی و اجتماعی، با در نظر داشتن ضمانت اجرایی تقوای اجتماعی به عنوان مهمترین عامل نگهدارنده جامعه از گناه و فسادهای اجتماعی، از غایات علم کلام با رویکرد توحید اجتماعی خواهد بود.

۴-۱-۲. بسط یافتن مفهوم عبادت به حوزه اجتماع و فراتر از مناسک عبادی

بسیاری از مفاهیم کلامی نیز متأثر از توحید اجتماعی، خوانش اجتماعی پیدا خواهند کرد؛ زیرا وقتی به مقتضای توحید اجتماعی خداوند در تمام زوایای اجتماعی زندگی انسان هم حضور و بروز دارد، هرگونه کنش انسانی در این قلمرو هم صبغه اجتماعی خواهد یافت؛

از ارکان توحید، عبودیت و خضوع مطلق در برابر خداوند و نفی هر معبودی غیر از خداوند است. در گفتمان قرآن عبادت خداوند از اهداف آفرینش معرفی شده: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ با در نظر گرفتن توحید اجتماعی عبادت

از رویکرد عبادت فردی و پرستش و ستایش قلبی و زبانی و یا عملی مانند گرفتن روزه و یا برپایی مراسم عبادی مانند نماز، فراتر رفته و امتداد اجتماعی پیدا می‌کند و هندسه جامعه به سمت عبودیت خداوند و اطاعت بی‌قید و شرط تغییر می‌یابد و روح بندگی و تسلیم در مقابل خداوند در ابعاد و اضلاع جامعه جاری و ساری می‌شود؛ برای مثال در رویکرد اجتماعی به توحید، انسان موحد در عمل عبادی نماز، روزانه عهد بندگی خود در برابر یگانه پروردگار عالمیان تجدید کرده و با برقراری ارتباط مداوم و پیوسته با منبع لایزال قدرت، از هیچ طاغوت و قدرت‌نمایی هراس و اضطرابی به دل راه نمی‌دهد و در نتیجه زمینه آمادگی و ورزیدگی جهت به عهده گرفتن مسئولیت‌های الهی فراهم می‌شود. در جامعه‌ای که دلها همه متصل به خداست، علاوه بر فرایض خاص دینی، هر عملی مانند فعالیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، نیز به نیت بندگی و تقرب به خداوند صورت گرفته و تمام رفتارها بر اساس عبد و نهایت تسلیم بودن در برابر خداوند و اقتضای معبود بودن او و نفی هرگونه بندگی در برابر غیر او تحقق می‌یابد: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يعبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ» (زمر: ۱۷).

۲-۲. تاثیر در غایت و هدف علم کلام

با توجه به تغییری که توحید اجتماعی در مبانی و موضوعات و بعضا برخی مسائل علم کلام می‌دهد، غایت و هدف علم کلام نیز متفاوت خواهد شد. اگر غایت علم کلام را تبیین آموزه‌های دین و دفاع از عقاید آن در برابر شبهات و اشکالات بدانیم، با رویکرد اجتماعی، می‌توان موارد زیر را جزو غایات جدید این علم دانست:

الف) تبیین منطق فهم دین و کسب معرفت دینی با نگاه توحید اجتماعی؛

ب) بازخوانی و تبیین مؤلفه‌ها و مفاهیم اعتقادی موجود در کلام سنتی با رویکرد

اجتماعی و توحیدمحور که چند نمونه از آن بیان شد؛

ج) طراحی نظام مسائل علم کلام با رویکرد توحید اجتماعی؛

د) تبیین جایگاه توحید در فهم و حل پدیده‌ها و مسائل اجتماعی؛

ه) استخراج الگوها و چارچوب‌های توحیدی قرآن بنیان و پاسخ‌گویی اجتماع‌محور

به شبهات؛

و) تبیین و دفاع از اجتماعیات اسلام بر پایه مؤلفه‌های توحید اجتماعی و بر اساس تعریفی که گذشت؛

ز) آشکار کردن ظرفیت علوم اسلامی مانند فلسفه، کلام، تفسیر و علوم حدیث در تولید مبانی نظری جامعه توحیدی و تولید مبانی توحیدی علوم انسانی مدرن.

۳. نقش توحید اجتماعی در علم عرفان

عرفان از جمله علوم اسلامی است که متأثر از توحید اجتماعی خواهد بود. عرفان در اصطلاح، به شناختی از خداوند اطلاق می‌شود که از راه شهود درونی و یافت باطنی حاصل می‌گردد. علم عرفان شامل عرفان نظری و عرفان عملی است. در ادامه برخی از تأثیرات توحید اجتماعی بویژه در عرفان عملی تبیین شده است:

۳-۱. تأثیر در مبانی علم عرفان

توحید از مسائل اصلی و مبنایی و تأثیرگذار در سایر موضوعات عرفان است. با خوانش اجتماعی از توحید، و تغییر در رویکرد این مبنا، علم عرفان نیز رویکرد و ماهیت اجتماعی خواهد یافت و مقدمات شکل‌گیری عرفان اجتماعی به معنای آشکار کردن سویه‌های اجتماعی عرفان و شناخت حقیقی و وجدانی پروردگار و جریان دادن آن به تمام مراتب حیات اجتماعی و فردی انسان‌ها فراهم خواهد شد. لازمه این رویکرد جدید، تبیین بینش توحیدی، گرایش توحیدی و کنش توحیدی با رویکرد اجتماعی است. زمانی که عرفان را به درک بالاترین معرفت توحیدی به صورت شهودی و وجودی و تشبّه به باری تعالی و «خداخو» شدن تعریف کنیم، در عرفان اجتماعی نیز این تعریف جریان می‌یابد که منبعث و وابسته از تعریف توحید اجتماعی خواهد بود. توجه به آیاتی که به توحید فرامی‌خوانند، مانند «فَإِنَّمَا تُوَلُّوا قَتْمًا وَجْهَ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۵)؛ «به هر طرف رو کنید، چهره خدا آنجاست و «وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ» (واقع: ۸۵)؛ ما از شما به او [یعنی محضر] نزدیک‌تریم؛ این معنا را به ذهن نزدیک‌تر خواهد ساخت؛ به این شکل که انسان موحد، خود، خانواده و افراد جامعه و... را شعاعی از خداوند دانسته و لحظه‌ای در تعاملات و ارتباطات و کنش‌های خود از حضور خداوند غافل نخواهد بود.

۲-۳. تأثیر در موضوعات و مفاهیم عرفانی

با نگاه اجتماعی به توحید، بسیاری از موضوعات عرفانی از صورت فردی، امتداد و هویتی اجتماعی یافته، شناخت و معرفت جامعه نسبت به خداوند و تلاش در تشبیه به صفات او از حوزه فردی و نظری به حوزه اجتماعی و عملی ارتقاء می‌یابد و در رتبه‌ای فراتر از عرفان عملی، جامعه اسلامی تجلی‌گاه اسماء و صفات الهی شده و تمام کنش‌های اجتماعی با نام و یاد خداوند آغاز و پایان خواهد یافت و به تبع آن آحاد جامعه مصداق این آیه خواهند شد: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (نور: ۳۷)؛ مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند؛ آنها از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها زیرو رو می‌شود.

در زندگی فردی و گوشه‌گیری، نه راه سلوک به سوی خدا باز می‌شود، و نه اخلاق مفهوم درستی پیدا خواهد کرد، زیرا این گونه خود‌گرایی، سلوک به سوی خود است، نه به سوی خدا؛ (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۰۲) بنابراین فهم از توحید، از رویکرد صوفیگری به عرفان و دانش عرفان و عزلت و گوشه‌نشینی و تفسیر عرفان به رهبانیت فردی جلوگیری شده و عرفان در عرصه اجتماعی ورود پیدا می‌کند.

در این رویکرد، جامعه، عالم هستی را آیت خدا و خود را همواره در محضر خداوند حی و حاضر می‌یابد و به این مرحله از درک می‌رسد که همه انسان‌ها پرتوی از وجود خداوند هستند. این نگاه به وجود انسان‌ها توسعه بخشیده و دیگر اثری از منیت و خوددوستی و خودخواهی نخواهد بود؛ نتیجه آن هدف‌گیری تربیت عرفانی و تکامل جامعه و نزدیک شدن به هدف اصلی از خلقت خواهد بود. به دیگر سخن، عارف از نظر هدف «موحد» است و تنها خدا را می‌خواهد. زمانی که جامعه از نظر هدف موحد باشد، رسیدن به قرب و رضای خداوند یگانه هدف و مقصود جامعه خواهد بود. در چنین جامعه‌ای، مسلمانان نه تنها از زندگی کناره نمی‌گیرند، بلکه به شکل هماهنگ و متعادل، در عین رفع نیازهای مادی و تلاش در راستای توسعه و رفاه اجتماعی و به فعلیت رساندن مجموعه استعدادهای خدادادی در سطح کلان اجتماعی، همه با هم در مسیر سلوک الی الله قرار

می‌گیرند و جامعه را تبدیل به مظهر جمیع اسماء و صفات الهی می‌کنند. در بخش عرفان عملی، توحید اجتماعی، تمام عرفان‌واره‌ها و عرفان اسلامی را که منجر به عزلت و صوفی‌گری می‌شود، متحول می‌سازد. برای تبیین مصداقی این امر، از تأثیرات توحید اجتماعی در موضوعات عرفانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲-۳. توسعه ذکر خداوند به تمام منش‌ها، کنش‌ها و ارتباطات

با در نظر گرفتن دو مؤلفه توحید اجتماعی یعنی وحدانیت خداوند در ربوبیت و عبودیت و نفی سرسپردگی به غیر از او، یادکرد خداوند از صورت فردی، جنبه اجتماعی می‌یابد به این شکل که توحید در تمام منش‌ها، کنش‌ها و ارتباطات و مناسبات و تعاملات اجتماعی، بروز و ظهور یافته و با نفی سایر الهه‌ها از ذاکره خود بازتاب اجتماعی پیدا می‌کند. در این فرض جامعه موحد در همه حال به یاد خداست و آیه: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (بقره: ۱۵۲) گستره اجتماعی یافته و تمامی افراد با نگاهی خوش‌بینانه به جهان هستی و قوانین آن، به معنای واقعی عالم را محضر خداوند دانسته و تنها خداوند را مؤثر و نقش‌آفرین حقیقی می‌دانند و با اتکاء بر قدرت لایتناهی او ایمان اجتماعی به خداوند و وعده نصرتش قوت یافته، هیچ خوف و حزنی بر آنها غلبه نمی‌کند: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲)؛ و ثمرات کم‌نظیری شامل حال جامعه خواهد شد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، «ذکر دسته‌جمعی موجب می‌شود که برکات و آثار ذکر بر دسته جمع نازل شود. ذکر «الله» آثاری دارد که در قرآن به این آثار اشاره شده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) این گسترش پیدا می‌کند. . . . این اجتماع در اسلام یک چیز عجیبی است؛ نفس اجتماع و حضور مردمی یک چیز مهمی است. . . . وقتی دسته‌جمعی ذکر گفتیم، آثار و برکات ذکر بر دسته جمع نازل می‌شود، بر جمع نازل می‌شود. در قرآن دارد: «فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات: ۵۵)؛ این نفع، مال همه می‌شود. بله، شما تنهایی هم که خودتان نماز شب می‌خوانید در اتاق تنها، [به خاطر] آن هم خدای متعال به شما نفع می‌دهد، اما اینجا این نفع، نفع عمومی است، همه مجموعه نفع می‌برند یا «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (بقره: ۱۵۲) «أَذْكُرْكُمْ»، این عنایت ویژه الهی، مترتب است بر ذکر؛ اینجا ذکر، ذکر دسته‌جمعی است، پس آن عنایت هم مربوط به جمع می‌شود یا «وَ اذْكُرُوا

اللّٰهُ كَثِيْرًا لَّا تَلْمِزُوْنَهُمْ فِيْ شَيْءٍ مِّنْ شَيْءٍ» (انفال: ۴۵)». (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور ۱۴۰۱/۵/۵) حال اگر به مقتضای توحید اجتماعی این ذکر جمعی به روابط اجتماعی هم سرایت کند، جامعه آرمانی و آرمان شهر شکل خواهد گرفت.

نقطه مقابل این امر، غفلت در امور اجتماعی است. غفلت در مقابل توجه و ذکر است. توجه، مبدأ سعادت و کمال است و غفلت، منشأ شقاوت و هلاکت و این مطلب، هم در فرد و زیست فردی و هم در جامعه و زیست اجتماعی صادق است. رسولان الهی برای غفلت زدایی جوامع بشری آمده‌اند. اگر غفلت جامعه بر اثر نرسیدن تبلیغ الهی به آنان باشد، مردم معذورند و خداوند آنان را کیفر نخواهد کرد: «ذٰلِكَ اَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرٰى بِظُلْمٍ وَّاهْلٰهَا غٰفِلُوْنَ» (انعام: ۱۳۱)؛ اما اگر از روی لجاج و عناد باشد جامعه مورد خشم الهی واقع می‌گردد؛ خداوند از قوم بنی‌اسرائیل به جهت غفلت، انتقام گرفته و غرقشان ساخت: «فَاَنْتَقَمْنَا مِنْهُمُ فَاَعْرَضْنَا عَنْهُمْ فِي الْيَمِّ بِاَنَّهُمْ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا وَاٰتٰنَا عَنْهَا غٰفِلِيْنَ» (اعراف: ۱۳۶)؛ پویایی جامعه و امدار توجه و تذکر افراد است و انحطاط و عقب‌ماندگی آن، ثمره غفلت آن جامعه. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸)

۲-۳. زهدورزی اجتماعی

امام علی ۷ در تعریف زهد می‌فرماید: تمام زهد و پارسائی بین دو کلمه از قرآن است: خداوند سبحان فرموده: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلٰى مَا فَاتَكُمْ وَّلَا تَفْرَحُوْا بِمَا آتَاكُمْ» (حدید: ۲۳)؛ یعنی تا هرگز بر آنچه از دستتان رفته، اندوه مخورید، و بر آنچه به شما داد شادی نکنید، و کسی که بر گذشته افسوس نخورد و به آینده شاد نگشت، پس زهد را از دو سمت آن (بی‌اعتنائی به گذشته و آینده) دریافته است.

خداوند در آیات پیشین، بر این مطلب یادآور شده که آنچه از رنج و مصیبت به انسان‌ها می‌رسد، تماماً با خواست و اراده خداوند است. آیات مورد بحث مردم را به يك مسابقه عظیم روحانی در طریق کسب آنچه پایدار و سزاوار هر گونه تلاش و کوشش است، دعوت کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۵۹) زمانی که فرد، زهدورزی را به روابط اجتماعی هم سرایت دهد و جامعه این اصل را در کنار مقدمه بودن دنیا برای آخرت و جدا نبودن آخرت از دنیا، قرار دهد، ساده‌زیستی پیشی کرده و

دستگیری از محرومان را یک وظیفه همگانی می‌داند. از این زاویه زهدورزی معنایی اجتماعی پیدا کرده و اساساً در بطن جامعه و ابعاد و ارکان آن هویت می‌یابد. در چنین جامعه‌ای هدف نهایی تلاش‌ها و ارتباطات و تعاملات و دادوستدها و ...، نه کسب مادیات که رشد و تعالی معنوی و کسب رضایت الهی است و به میزان دوری از تعلقات دنیوی زمینه نزدیک شدن به پروردگار و قرب الهی بیشتر فراهم خواهد شد؛ همچنین تهدیدهای مالی و جانی دشمن در اراده چنین اجتماعی رسوخ و نفوذ نخواهد کرد. از این جهت است که آیت‌الله خامنه‌ای مذموم بودن دل سپردن به دنیا را، مبنای انقلاب اسلامی می‌داند. (ر. ک: بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب ۱۳۷۷/۱۲/۱۵)

۳-۲-۳. عشق اجتماعی به خداوند

از مفاهیم عرفان اسلامی عشق‌ورزی به خداوند متعال است. بر اساس آیات قرآن، محور دعوت انبیا بر عشق آسمانی بوده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...» (انفال: ۲۴)؛ ای کسانی که دل در گرو خدا دارید، آنگاه که خدا و رسول شما را به امری حیات‌بخش دعوت می‌کنند، آن را اجابت کنید

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ قَبِذْكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸)؛ بگو باید به فضل و رحمت خدا دلخوش باشید که از هر آنچه مردم جمع‌آوری می‌کنند بهتر است.

«وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (حج: ۷۸)؛ به خدا اعتصام کنید چرا که او مولا و یاریگر خوبی است

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (اعراف: ۱۰۳)؛ با همدیگر به حبل الهی چنگ زنید و متفرق نشوید

برای انسان هر دو گونه عشق ممکن است؛ هدف قرآن، کندن انسان از ماده و ماده‌پرستی و پرواز دادن او به سوی خدای نامتناهی است. مضمون آیات فوق با رویکرد عرفانی همه در مقوله عشق الهی و آسمانی قابل تفسیرند؛ از این نمونه آیات در قرآن فراوان است. این آیات در واقع عشق اجتماعی را گوشزد می‌کنند؛ عشقی که کل جامعه را

یکجا مبهوت خود می کند و تمام انسان ها را در یک هدف مشخص، همدل و هم صدا چه در امور فردی و چه در روابط اجتماعی به حرکت در می آورد؛ این، همان جامعه توحیدی پیشنهادشده از سوی ادیان الهی است که تا تحقق آن فاصله بسیار زیاد است. اگر توحید اجتماعی محقق شد، عشق اجتماعی در تمام روابط اجتماعی هم محقق شده است. اگر جامعه جهانی به چنین عشق و محبتی در راه خدای متعال، آن هم در تمام ابعاد زندگی خود، برسد، آنگاه نتایج بی بدیل و درخشانی بر آن مترتب خواهد شد و یقیناً همین دنیا تبدیل به بهشتی معنوی خواهد شد.

۳-۳. تاثیر در غایت علم عرفان

غایت عرفان اسلامی که در بخش عرفان عملی تجلی می یابد، رهایی انسان از بند وابستگی های مادی، شناخت خدا و وصول به حقیقت مطلق و فناي در اوست که آیات زیر بدان دلالت دارند:

«وَأَنَّ إِلِي رَبِّكَ الْمُنْتَهَى» (نجم: ۴۲)؛ (و آیا از کتب پیشین انبیا به او نرسیده است) که همه امور به پروردگارت منتهی می گردد؟!؛

«وَأِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» (زخرف: ۱۴)؛ و ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم.

«وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (تغابن: ۳)؛ و سرانجام (همه) بسوی اوست.

«أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری: ۵۳)؛ آگاه باشید که همه کارها تنها بسوی خدا

بازمی گردد.

«وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۵)؛ مشرق و مغرب، از آن

خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست!

توحید اجتماعی این غایت را از شکل فردی به صورت اجتماعی درآورده و مسیر حرکت اجتماعی فرد و جامعه را به سوی خدا و کسب رضای او قرار می دهد. در چنین جامعه ای هدف و مقصود نهایی از هر تلاش و فعالیت دنیایی، کسب رضایت الهی است و نشاط اجتماعی و سبقت گرفتن در انجام عمل صالح از مختصات و هنجارهای جامعه خواهد بود: «أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مومنون: ۶۱).

نتیجه گیری

این مقاله نشان داد بازفهم اجتماعی از توحید بر مبنای آیات قرآن، با تاثیرگذاری در مبانی علوم اسلامی به ویژه علم کلام و عرفان، هویتی اجتماعی به مسائل و موضوعات این علوم بخشیده، اهداف این علوم را متحول خواهد ساخت. توحید اجتماعی می تواند موضوعات علم کلام مانند عدل و معاد؛ مفاهیم آن مانند عبادت، استغفار، تقوا و اهداف این علم را صبغه اجتماعی بخشیده و متحول سازد که نمونه هایی از آن گذشت. همچنین توحید اجتماعی امتداد اجتماعی علم عرفان عملی را تبیین کرده و بازفهمی اجتماعی از مفاهیم این علم مانند ذکر خدا، زهدورزی و عشق به خداوند ارائه کرده و به غایت این علم یعنی رهایی انسان از بند وابستگی های مادی، شناخت خدا و وصول به حقیقت مطلق و فنای در او را صورت اجتماعی خواهد بخشید. حاصل اینکه این رویکرد جدید در توحید، زمینه ساز گرایش های جدید در علوم اسلامی از جمله کلام اجتماعی و عرفان اجتماعی به صورت قرآن بنیان با محوریت توحید خواهد بود و ظرفیت های این علوم را گسترش خواهد داد.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. بوذری نژاد، یحیی و زرع پیمان، شاهین، (۱۴۰۰)، «تحلیل و بررسی ابعاد معرفتی جامعه توحیدی در اندیشه دکتر علی شریعتی»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ش ۲۰، صص ۹-۳۶؛
۲. پورعباس، محمد، (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل انتقادی دیدگاه دکتر شریعتی در باب توحید اجتماعی»، اندیشه نوین دینی، ش ۵۹، صص ۱۰۳-۱۱۶؛
۳. پورعباس، محمد و محمدرضا ابراهیم‌نژاد، (۱۳۹۸)، «دکترین «توحید اجتماعی» اندیشه‌ای بنیادین در تکامل هندسه توحیدی و تعالی معنوی موحدان»، پژوهش‌های عقلی نوین، ش ۷، صص ۱۱۷-۱۴۰؛
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، جامعه در قرآن؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: اسراء؛
۵. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم: صهباء؛
۶. سیدقطب، (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق؛
۷. صدر، سیدمحمدباقر، (۱۳۸۱)، سنت‌های تاریخ در قرآن، تهران: تفاهم؛
۸. طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار؛
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات؛
۱۰. عرب صالحی، محمد و پیشوایی، فریده، (۱۴۰۱)، تحلیل معنای «توحید اجتماعی» از رهگذر تبیین مؤلفه‌های آن در قرآن با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته)، مطالعات تفسیری قرآن کریم مفتاح، ش ۸، صص ۲۵-۵۰؛
۱۱. فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک؛
۱۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بی‌جا، مؤسسة الوفاء؛
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار (جلد ۳)، قم: صدرا؛
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه؛

